

تحلیل حقوق بین الملل حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران: از منظر مسئولیت

بین المللی و حق دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد

اطهر درویشی^۱ سید نیمانوروزی^{۲*} سید محمدرضا قاسم تبار^۳

۱ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل و ناظر و بازیمن شبکه ماهواره ای و بین المللی الثقلین، تهران، ایران

۲ پژوهشگر رسمی و دانش پژوه سطوح عالی و خارج، معاونت پژوهش حوزه علمیه قم، قم، ایران

۳ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل و رئیس شبکه ماهواره ای و بین المللی الثقلین، تهران، ایران

چکیده. حمله نظامی رژیم صهیونیستی به خاک ایران در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ که منجر به تلفات غیرنظامیان و تخریب زیرساخت ها شد، نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بین الملل است. بر اساس ماده ۲(۴) منشور ملل متحد و قطعنامه های مرتبط، استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها ممنوع بوده و تنها در صورت دفاع مشروع یا اقدامات جمعی شورای امنیت مشروعیت دارد. در این حمله، رژیم صهیونیستی بدون مجوز شورای امنیت و بدون وجود تهدید فوری، به تجاوزی آشکار مبادرت ورزید. افزون بر آن، هدف قرار دادن غیرنظامیان و مناطق مسکونی، نقض اصول تمایز و تناسب در حقوق بشردوستانه و حتی مصداق جنایات جنگی است. بر اساس ماده ۵۱ منشور، ایران حق دفاع مشروع فردی و جمعی را دارد، مشروط به رعایت اصول ضرورت، تناسب، تمایز و گزارش فوری به شورای امنیت. همچنین ایران می تواند از طریق نهادهای بین المللی نظیر شورای امنیت، مجمع عمومی، دیوان بین المللی دادگستری و دیوان کیفری بین المللی مسئولیت رژیم صهیونیستی را پیگیری کند. این مطالعه با استناد به اسناد بین المللی، کنوانسیون ها و آراء دیوان ها، نقض های رژیم صهیونیستی را تحلیل و بر مشروعیت حق دفاع مشروع ایران تأکید می کند.

کلیدواژه ها: حقوق بین الملل، دفاع مشروع، منشور ملل متحد، تجاوز، مسئولیت بین المللی.

۱. athar.darvishe7531@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: n.nima1376@gmail.com

۳. ghasemtabar@yahoo.com

International Law Analysis of the Israeli Military Attack on Iran: From the Perspective of International Responsibility and the Right to Self-Defense under the United Nations Charter

Atar Darvishi, Seyed Nima Norouzi*, Seyed Mohammadreza Ghasemtabar

1PhD Student in International Law and Supervisor and Reviewer of Al-Thaqalayn Satellite and International Network, Tehran, Iran

2Official Researcher and Scholar of Advanced and Higher Levels, Research Department of the Qom Seminary, Qom, Iran

3PhD Student in International Law and Head of Al-Thaqalayn Satellite and International Network, Tehran, Iran

Abstract : The Israeli regime's military attack on Iranian territory on June 13, 2025, which resulted in civilian casualties and the destruction of infrastructure, is a clear violation of fundamental international law principles. According to Article 2(4) of the United Nations Charter and related resolutions, the use of force against the territorial integrity and political independence of states is prohibited, and it is only legitimate in cases of self-defense or collective action by the Security Council. In this attack, the Israeli regime carried out an overt act of aggression without the authorization of the Security Council and in the absence of an immediate threat. Furthermore, targeting civilians and residential areas violates the principles of distinction and proportionality in humanitarian law and even constitutes war crimes. According to Article 51 of the Charter, Iran has the right to individual and collective self-defense, subject to the principles of necessity, proportionality, distinction, and immediate reporting to the Security Council. Iran can also pursue the Israeli regime's responsibility through international bodies such as the Security Council, the General Assembly, the International Court of Justice, and the International Criminal Court. This study analyzes the Israeli regime's violations with reference to international documents, conventions, and rulings of international tribunals, emphasizing the legitimacy of Iran's right to self-defense.

Keywords : International Law, Self-Defense, United Nations Charter, Aggression, International Responsibility

مقدمه

نظام حقوق بین الملل معاصر بر سه اصل بنیادین یعنی حاکمیت دولت‌ها، عدم مداخله و منع توسل به زور استوار است. منشور ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سند تأسیس جامعه بین‌المللی، در ماده ۲ بند ۴ به صراحت هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها را ممنوع اعلام کرده است (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). با وجود این ممنوعیت صریح، تاریخ پس از ۱۹۴۵ نشان می‌دهد که موارد متعددی از نقض این اصول به وسیله دولت‌ها به وقوع پیوسته است که نظم حقوقی بین‌المللی را دچار بحران نموده است. رژیم صهیونیستی در زمره دولت‌هایی است که مکرراً متهم به نقض این اصول بنیادین شده است (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴).

حمله موشکی گسترده رژیم صهیونیستی به خاک ایران در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، که به طور خاص مناطق مسکونی و شخصیت‌های نظامی و علمی را هدف قرار داد، نمونه‌ای آشکار از تجاوز نظامی علیه یک دولت مستقل به شمار می‌رود. این اقدام ضمن ایجاد خسارات جانی و مالی گسترده، نقض آشکار قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بود (گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۰۲۵).

بر اساس حقوق بین‌الملل، تجاوز عبارت است از استفاده از نیروی مسلح یک کشور علیه حاکمیت یا تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر. این تعریف در ماده ۲ بند ۴ منشور و همچنین در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی به صراحت آمده است (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴). بنابراین حمله رژیم صهیونیستی به ایران دقیقاً مصداق چنین تجاوزی است.

مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در صورت وقوع «حمله مسلحانه»، کشور مورد حمله حق دارد از خود به صورت فردی یا جمعی دفاع کند، مشروط بر آن که این اقدامات به شورای امنیت گزارش شود و تا زمانی ادامه یابد که شورای امنیت تمهیدات لازم را برای حفظ صلح اتخاذ کند (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵؛ گرین، ۲۰۱۴).

افزون بر منشور، در قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی نیز اصل منع توسل به زور به صراحت تأیید شده و استثناء آن یعنی دفاع مشروع نیز مورد شناسایی قرار گرفته است (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۰). این قاعده اکنون به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی و قاعده آمره شناخته می‌شود.

همچنین حمله رژیم صهیونیستی به ایران اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، از جمله اصل تمایز و اصل تناسب را نقض کرده است. بر اساس پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو، طرف‌های مخاصمه ملزم‌اند همواره بین اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند و از حملاتی که خسارات غیرمتناسب به غیرنظامیان وارد می‌کند اجتناب نمایند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

جنبه دیگر نقض، تخطی از اصل حاکمیت هوایی ایران است. طبق کنوانسیون شیکاگو درباره هوانوردی کشوری (۱۹۴۴)، هر کشور حاکمیت کامل و انحصاری بر فضای هوایی بالای قلمرو خود دارد و پرواز هواپیماهای نظامی بدون اجازه، نقض این حق مسلم است (سازمان هوانوردی کشوری بین‌المللی، ۱۹۴۴).

از منظر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، هر عمل متخلفانه بین‌المللی، متضمن مسئولیت است و دولت مرتکب باید نسبت به توقف عمل و جبران خسارت اقدام نماید (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱). در این مورد، حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران، به‌عنوان تجاوز، تعهد به جبران و توقف تجاوز را به‌دنبال دارد.

طبق رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، اجرای حق دفاع مشروع باید در چارچوب «ضرورت» و «تناسب» انجام گیرد و کشور مدافع ملزم به اطلاع‌رسانی فوری به شورای امنیت است (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۵؛ گرین، ۲۰۱۴). این امر برای جلوگیری از سوءاستفاده از حق دفاع مشروع در پوشش حملات تهاجمی اهمیت دارد.

از سوی دیگر، حمله مستقیم رژیم صهیونیستی به ایران در حالی رخ داده است که هیچ تهدید فوری و قریب‌الوقوعی از سوی ایران متوجه رژیم صهیونیستی نبوده و لذا هرگونه استناد احتمالی به دکترین «دفاع پیش‌دستانه» نیز از منظر حقوقی قابل قبول نیست (مورفی، ۲۰۱۹).

این مقاله می‌کوشد با بهره‌گیری از منشور ملل متحد، قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین نظریه‌ها و رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، ضمن تبیین ابعاد حقوقی تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران، مشروعیت اقدامات دفاع مشروع ایران را در چارچوب ماده ۵۱ منشور بررسی کرده و به مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی این پژوهش، منشور ملل متحد است که اساس نظام حقوق بین‌الملل مدرن را تشکیل می‌دهد. منشور در ماده ۲ بند ۴ به‌صراحت بیان می‌کند که کلیه اعضای سازمان ملل باید از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور خودداری کنند (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). این اصل، ستون فقرات نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود.

به‌علاوه، همین ماده تصریح می‌کند که کشورهای عضو باید اختلافات بین‌المللی خود را از طریق وسایل مسالمت‌آمیز به‌گونه‌ای حل کنند که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر نیفتد. این الزام بر گفت‌وگو و راهکارهای دیپلماتیک پیش از هرگونه اقدام خشونت‌بار تأکید می‌کند (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵).

ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز به‌عنوان تنها استثنای جدی بر قاعده منع توسل به زور شناخته می‌شود. بر اساس این ماده، در صورتی که حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد روی دهد، آن عضو حق دفاع مشروع فردی یا

جمعی خواهد داشت، تا هنگامی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵).

این ماده همچنین کشورها را ملزم می‌کند که فوراً اقدامات دفاعی خود را به شورای امنیت گزارش دهند. این الزام، تضمینی برای جلوگیری از سوءاستفاده از مفهوم دفاع مشروع و گسترش جنگ‌های بی‌ضابطه است (گرین، ۲۰۱۴). در بعد دیگر، قطعنامه‌های کلیدی مجمع عمومی ملل متحد مکمل مقررات منشور بوده‌اند. به‌ویژه قطعنامه ۲۶۲۵ مورخ ۱۹۷۰ که به «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان کشورها» شهرت دارد، به‌طور خاص ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور را تکرار و بر آن تأکید می‌کند. این سند همچنین مشروعیت دفاع مشروع در برابر تجاوز را تصریح می‌نماید (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۰).

همچنین قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۹۷۴ که «تعریف تجاوز» را ارائه داده است، به‌عنوان مبنای حقوقی مهمی شناخته می‌شود. طبق ماده ۳ این قطعنامه، استفاده از نیروهای مسلح یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر، تجاوز محسوب می‌شود (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴). این قطعنامه عملاً معیارهای عینی برای احراز وقوع تجاوز را فراهم کرده است.

از منظر حقوق بشر، گزارش‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص قتل‌های فراقضایی اهمیت ویژه‌ای دارد. این گزارش‌ها به‌ویژه در مورد ترور هدفمند نظامیان و شخصیت‌های علمی در خارج از صحنه مخاصمه فعال، آن را نقض صریح حق حیات بر اساس ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دانسته‌اند (گزارشگر ویژه قتل‌های فراقضایی، ۲۰۲۳).

از سوی دیگر، در حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ جایگاه ممتازی دارند. این اسناد اصول بنیادینی چون اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی و اصل تناسب را تثبیت کرده‌اند که حملات نظامی را به چارچوب‌های سختگیرانه‌ای محدود می‌کند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

اصل تمایز ایجاب می‌کند که همواره میان نیروهای نظامی و غیرنظامیان تفاوت قائل شد و از هدف قرار دادن افراد و اشیاء غیرنظامی خودداری نمود. همچنین اصل تناسب ایجاب می‌کند که حتی حملات مشروع علیه اهداف نظامی نباید منجر به خسارات جانبی غیرمتناسب به غیرنظامیان گردد (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ در مورد هوانوردی کشوری نیز از دیگر مبانی نظری پژوهش حاضر است. طبق ماده ۱ این کنوانسیون، هر کشور حاکمیت کامل و انحصاری بر فضای بالای قلمرو خود دارد. بنابراین پرواز نظامی بدون رضایت کشور صاحب قلمرو، نقض آشکار این اصل است (سازمان هوانوردی کشوری بین‌المللی، ۱۹۴۴).

مجموع این اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که نظام حقوقی جهان‌رو، هم در سطح منشور و قطعنامه‌های سازمان ملل، هم در سطح کنوانسیون‌های تخصصی (همچون ژنو و شیکاگو) و هم در حوزه حقوق بشر، مجموعه‌ای جامع از ممنوعیت‌های استفاده از زور و نیز شروط سختگیرانه برای اعمال دفاع مشروع طراحی کرده است (مورفی، ۲۰۱۹). بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر دو اصل محوری استوار است: نخست، اصل منع استفاده از زور به‌عنوان قاعده آمره (Jus Cogens) و دوم، حق دفاع مشروع که استثناء محدودی بر این قاعده محسوب می‌شود و مشروط به وجود حمله مسلحانه، ضرورت و تناسب، و گزارش فوری به شورای امنیت است (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵؛ گرین، ۲۰۱۴). این مبانی، شالوده تحلیل حقوقی حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران و مشروعیت دفاع ایران را تشکیل می‌دهد.

نقض قواعد حقوق بین‌الملل توسط رژیم صهیونیستی

تجاوز آشکار به خاک ایران

بر اساس ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد، استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور ممنوع است، مگر در دو استثنای محدود یعنی دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور یا اقدامات جمعی شورای امنیت تحت فصل هفتم (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). از این‌رو حمله موشکی رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون تصویب شورای امنیت و خارج از دفاع مشروع، نقض مستقیم این ماده محسوب می‌شود.

به گفته بسیاری از پژوهشگران حقوق بین‌الملل، قاعده منع توسل به زور یک قاعده آمره است و لذا حتی رضایت‌نامه‌های دوجانبه نمی‌توانند آن را نقض کنند (کاسه‌کشی و همکاران، ۲۰۲۲). این بدان معناست که هرگونه عدول از این قاعده، تجاوز و ناقض نظم عمومی بین‌المللی خواهد بود.

قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ نیز استفاده از نیروهای مسلح یک کشور علیه حاکمیت یا تمامیت ارضی کشور دیگر را به‌عنوان «تجاوز» تعریف کرده است (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴). بر اساس این سند، شلیک موشک‌های رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون پیش‌شرط‌های قانونی، به‌طور کامل در چهارچوب این تعریف قرار می‌گیرد.

مطالعات موردی انجام‌شده در نشریات معتبری چون جی‌استور نشان می‌دهد که در موارد مشابه (مانند حمله آمریکا به پاناما یا عراق)، تحلیلگران حقوقی این اقدامات را تجاوز دانسته‌اند حتی اگر با عناوینی نظیر «حمله پیشگیرانه» توجیه شده باشد (آلن، ۲۰۲۱). از این منظر، استدلال‌های احتمالی رژیم صهیونیستی مبنی بر تهدید پیشگیرانه، اعتبار حقوقی ندارد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های منتشر شده در آکسفورد آکادمیک تأکید دارند که تجاوز به عنوان یک جرم بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت مرتکب را به همراه دارد و ممکن است تحت پیگرد دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد، به‌ویژه اگر منجر به تلفات غیرنظامیان شود (اسمیت، ۲۰۲۳).

با این اوصاف، حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون هیچ مصوبه شورای امنیت، فاقد مشروعیت حقوقی و مصداق بارز تجاوز نظامی طبق اسناد بین‌المللی و اجماع دکتربین حقوقی معاصر است (گرین، ۲۰۱۴؛ گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۰۲۵).

نقض اصول حقوق بشر و بشردوستانه

یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن تصریح شده، اصل تمایز است. این اصل طرف‌های درگیر را ملزم می‌کند همواره میان غیرنظامیان و رزمندگان، و همچنین اهداف غیرنظامی و نظامی تمایز قائل شوند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

حمله موشکی رژیم صهیونیستی که به‌طور مشخص مناطق مسکونی در ایران را هدف قرار داد، نقض صریح این اصل است. تحلیل‌های حقوقی موجود در اس‌اس‌آران بیان می‌دارد که حتی در صورت وجود اهداف نظامی مشروع، حمله‌ای که به‌طور نامتناسب باعث تلفات غیرنظامیان شود، غیرقانونی است (گرین، ۲۰۱۴).

اصل تناسب که مکمل اصل تمایز است، بر این نکته تأکید دارد که منافع نظامی قابل انتظار از یک عملیات نباید در مقایسه با آسیب‌های جانبی به غیرنظامیان بیش از حد باشد. مقالات منتشر شده در آکسفورد آکادمیک به‌طور خاص به موارد مشابه در غزه و یمن اشاره کرده‌اند که در آنها، نقض تناسب منجر به محکومیت گسترده بین‌المللی شد (هارت، ۲۰۲۲).

ترور فرماندهان نظامی ایران در خارج از صحنه نبرد فعال مصداق قتل‌های فراقضایی است که نقض ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محسوب می‌شود (گزارشگر ویژه قتل‌های فراقضایی سازمان ملل متحد، ۲۰۲۳). این گزارش‌ها بارها تأکید کرده‌اند که حذف فیزیکی افراد بدون دادرسی منصفانه، حتی در چارچوب درگیری مسلحانه نیز تنها در شرایط بسیار محدود مجاز است.

تحقیقات انجام شده در جی‌استور و اس‌اس‌آران نشان می‌دهد که ترور هدفمند شخصیت‌ها و دانشمندان در خارج از مناطق جنگی، نه تنها بر اساس حقوق بشر بلکه طبق حقوق بشردوستانه نیز ممنوع بوده و می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد (جانسون، ۲۰۲۰؛ جی‌استور).

بنابراین رفتار رژیم صهیونیستی در حمله به غیرنظامیان و ترور فرماندهان ایرانی، علاوه بر نقض اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و بشر، مبنایی برای مسئولیت کیفری بین‌المللی رهبران و مقامات تصمیم‌گیر رژیم صهیونیستی نزد دیوان کیفری بین‌المللی فراهم می‌آورد (اسمیت، ۲۰۲۳).

نقض حاکمیت هوایی

کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ در مورد هوانوردی کشوری که تقریباً همه کشورهای جهان از جمله رژیم صهیونیستی و ایران عضو آن هستند، در ماده ۱ خود تصریح می‌کند که هر کشور دارای «حاکمیت کامل و انحصاری» بر فضای هوایی بالای قلمرو خود است (سازمان هوانوردی کشوری بین‌المللی، ۱۹۴۴).

بر این اساس، پرواز یا ورود هرگونه هواپیمای نظامی بیگانه به حریم هوایی یک کشور بدون رضایت صریح آن کشور، نقض این حاکمیت و مغایر با اصول شناخته‌شده بین‌المللی است. حمله موشکی رژیم صهیونیستی با عبور از فضای هوایی کشورهای منطقه و ورود به حریم ایران، نقض واضح این اصل به شمار می‌رود (سازمان هوانوردی کشوری بین‌المللی، ۱۹۴۴).

مطالعات تطبیقی منتشرشده در جی‌استور و آکسفورد آکادمیک نشان می‌دهد که در پرونده‌های مشابه، نظیر ورود پهپادهای ایالات متحده به خاک پاکستان یا عملیات هوایی ترکیه در عراق، نهادهای حقوقی بین‌المللی این اقدامات را مغایر کنوانسیون شیکاگو دانسته‌اند (آلن، ۲۰۲۱؛ هارت، ۲۰۲۲).

تحقیقات اس‌اس‌آران بر این نکته تأکید دارد که کنوانسیون شیکاگو با وجود ماهیت عمدتاً فنی و هوانوردی، بخشی جدایی‌ناپذیر از احترام به اصل حاکمیت دولت‌ها است و نقض آن می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز گردد (گرین، ۲۰۱۴).

گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد نیز تأکید دارند که نقض حریم هوایی کشورها بدون رضایت، حتی اگر در ظاهر به عنوان عملیات محدود یا پیشگیرانه توجیه شود، همچنان مسئولیت بین‌المللی را به دنبال دارد (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱).

در نتیجه، نقض حاکمیت هوایی ایران از سوی رژیم صهیونیستی از دیدگاه حقوق بین‌الملل نه تنها یک عمل غیرقانونی مستقل بلکه به عنوان بخشی از الگوی کلی تجاوز نظامی محسوب می‌شود که به وضوح تعهدات رژیم صهیونیستی تحت کنوانسیون شیکاگو و اصول عرفی را زیر پا گذاشته است.

مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی

ماهیت نقض قواعد آمره (Jus Cogens)

یکی از ارکان اصلی نظم حقوقی بین‌الملل معاصر، شناسایی قواعد آمره یا همان «Jus Cogens» است که در رأس سلسله مراتب حقوق بین‌الملل قرار دارند. این قواعد به قدری بنیادین هستند که هیچ توافق دوجانبه یا چندجانبه‌ای نمی‌تواند آنها را نقض کند و در صورت تعارض، آن توافق فاقد اعتبار است. اصل منع توسل به زور، که در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته، به عنوان بارزترین نمونه این قواعد آمره شناخته می‌شود. به همین دلیل

حتی چنانچه دو کشور توافق کنند که یکی مجاز به حمله به دیگری باشد، این توافق در برابر قاعده آمره منع تجاوز هیچ اثر حقوقی نخواهد داشت (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵؛ کمیسیون حقوق بین الملل، ۲۰۰۱).

بر این اساس، جامعه بین المللی، تجاوز نظامی و استفاده غیرقانونی از زور را نه تنها نقض حقوق عرفی بلکه نقض یکی از قواعد بنیادین و تغییرناپذیر می داند. دیوان بین المللی دادگستری در آراء مختلف خود از جمله در قضیه «فعالیت های مسلحانه در سرزمین کنگو» (۲۰۰۵) تصریح کرد که احترام به تمامیت ارضی و خودداری از توسل به زور، اصولی هستند که در زمره حقوق بین الملل آمره قرار می گیرند (دیوان بین المللی دادگستری، ۲۰۰۵).

مطالعات گسترده ای که در مقالات منتشر شده در اس اس آر ان و جی استور نیز صورت گرفته، نشان می دهد که اصل منع توسل به زور، امروزه از مصادیق شناخته شده قواعد آمره است که جامعه بین المللی در کلیت خود به آن پایبند است (گرین، ۲۰۱۴؛ کاسه کشی و همکاران، ۲۰۲۲). از این منظر، اقدام رژیم صهیونیستی در تجاوز نظامی به خاک ایران، علاوه بر نقض حقوق عرفی و قراردادی، تجاوزی به نظم عمومی بین المللی تلقی می شود که نمی توان برای آن توجیهی حقوقی یافت.

تعهد به جبران و توقف تجاوز

حقوق بین الملل نه تنها وقوع عمل متخلفانه بین المللی را ممنوع می داند، بلکه پیامدهای حقوقی آن را نیز دقیقاً تعیین کرده است. به موجب پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت ها برای اعمال متخلفانه که توسط کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد تصویب و به عنوان سند معتبر حقوق عرفی بین المللی پذیرفته شده است، دولت مرتکب موظف است اولاً فوراً به اقدام غیرقانونی خود پایان دهد و ثانیاً تمام خسارات مادی و معنوی ناشی از آن را جبران نماید (کمیسیون حقوق بین الملل، ۲۰۰۱).

بر اساس ماده ۳۱ این پیش نویس، دولت مسئول «ملزم به جبران کامل خسارات» است و این جبران شامل بازگرداندن وضعیت به حالت قبل، پرداخت غرامت و در صورت اقتضاء رضایت بخشی معنوی می شود. همچنین ماده ۳۰ این سند صراحتاً توقف اقدام غیرقانونی را الزام حقوقی دولت متخلف می داند. در مورد حمله رژیم صهیونیستی به ایران، این الزامات بدان معناست که رژیم صهیونیستی باید بلافاصله از هرگونه حمله و تجاوز خودداری کند و متعاقباً خسارات جانی، مالی و معنوی وارد شده به ایران و اتباع آن را جبران نماید.

پژوهش های انجام شده در آکسفورد آکادمیک، به ویژه در زمینه رویه های جبرانی پس از تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، نشان داده است که جامعه بین المللی چگونه دولت متجاوز را موظف به پرداخت غرامت های هنگفت و حتی تشکیل صندوق های جبران خسارت کرد (اسمیت، ۲۰۲۳). بنابراین مسئولیت رژیم صهیونیستی در چارچوب تجاوز به خاک ایران، تنها بر اساس اصول نظری نیست، بلکه دارای پیشینه های عملی و سابقه های حقوقی مستحکم در روابط بین الملل است.

امکان اقدام از طریق نهادهای بین‌المللی

در نظام حقوق بین‌الملل برای مقابله با تجاوز و نقض قواعد آمره، سازوکارهای متعددی پیش‌بینی شده است که ایران می‌تواند از آنها برای احقاق حقوق خود استفاده کند. در رأس این نهادها، شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد که مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد صلاحیت دارد در صورت تشخیص «تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز» تدابیری از قبیل تحریم، اقدامات دیپلماتیک، و حتی استفاده از زور جمعی را اتخاذ نماید (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). از این رو ایران می‌تواند با استناد به ماده ۳۹ منشور، خواستار تشکیل جلسه شورای امنیت و بررسی موضوع حمله رژیم صهیونیستی شود.

در صورت ناتوانی یا انفعال شورای امنیت به دلیل وتو یا سایر ملاحظات سیاسی، ایران می‌تواند از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد و با استناد به قطعنامه «اتحاد برای صلح» (قطعنامه ۳۷۷ مورخ ۱۹۵۰) موضوع را پیگیری کند. این رویه پیش‌بینی شده است تا در شرایطی که شورای امنیت به دلیل اختلاف میان اعضای دائم قادر به اقدام نیست، مجمع عمومی بتواند ابتکار عمل را در دست گیرد و حتی توصیه به اقدامات جمعی از جمله تدابیر اقتصادی یا نظامی کند (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۵۰).

از منظر دادرسی بین‌المللی، ایران می‌تواند علیه رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی نماید. دیوان در پرونده‌هایی نظیر «کنگو علیه اوگاندا» تعرض نظامی به خاک کشور دیگر را نقض آشکار اصول حقوق بین‌الملل دانسته و دولت متجاوز را به توقف فوری عملیات و پرداخت غرامت محکوم کرده است (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۵).

همچنین در صورتی که دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت خود را بر اساس اساسنامه رم احراز کند، می‌تواند حمله رژیم صهیونیستی را به عنوان «جنایت تجاوز» یا «جنایت جنگی» مورد رسیدگی قرار دهد، به‌ویژه اگر مدارکی مبنی بر حمله به غیرنظامیان، تخریب گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی و ترور هدفمند وجود داشته باشد (اسمیت، ۲۰۲۳؛ گزارشگر ویژه قتل‌های فراقضایی، ۲۰۲۳). این ظرفیت‌ها به ایران اجازه می‌دهد تا هم از مسیر حقوقی و هم از مسیر سیاسی در پی مسئول شناختن رژیم صهیونیستی و احقاق حقوق خود باشد.

حق دفاع مشروع ایران بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد

حق دفاع مشروع به‌عنوان تنها استثنای پذیرفته‌شده بر اصل منع توسل به زور در منشور ملل متحد در ماده ۵۱ این سند آمده است. بر اساس این ماده، در صورتی که «حمله مسلحانه‌ای علیه یک عضو سازمان ملل صورت گیرد»، آن عضو حق دارد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم را به‌عمل آورد، از خود به‌طور فردی یا جمعی دفاع کند، مشروط بر آن که «بلافاصله» موضوع را به شورای امنیت گزارش دهد (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). این حق ریشه در حقوق طبیعی ملت‌ها برای بقا و حفاظت از خود دارد که توسط منشور صرفاً تأیید و تنظیم شده است.

یکی از مهم ترین شرایط اعمال حق دفاع مشروع، وقوع حمله مسلحانه است. دیوان بین المللی دادگستری در آراء متعدد خود از جمله در قضیه «سکوهاى نفتى» (۲۰۰۳) میان حملات محدود و غیرمستمر با حمله مسلحانه ای که حق دفاع مشروع را برمی انگیزد، تفاوت قائل شده است (دیوان بین المللی دادگستری، ۲۰۰۳). حمله موشکی رژیم صهیونیستی به خاک ایران که منجر به تلفات جانی و تخریب زیرساخت های شهری شده، از لحاظ مقیاس و شدت به وضوح در زمره حمله مسلحانه ای است که حق ایران برای دفاع مشروع را فعال می کند.

شرط مهم دیگر، رعایت اصول «ضرورت» و «تناسب» است. به عبارت دیگر، دفاع مشروع باید در حدی باشد که برای دفع حمله ضرورت داشته و از لحاظ شدت و گستره متناسب با حمله اولیه باشد (گرین، ۲۰۱۴؛ اسمیت، ۲۰۲۳). این موضوع به ویژه در حقوق عرفی و رویه های بین المللی مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، پاسخ ایران باید برای خنثی سازی حملات جاری و پیشگیری از حملات بعدی طراحی شود.

عنصر دیگر که در ماده ۵۱ منشور تصریح شده، «گزارش فوری به شورای امنیت» است. گرچه برخی نویسندگان این الزام را صرفاً شکلی می دانند، اما رویه غالب بین المللی آن را شرطی جدی برای مشروعیت دفاع مشروع دانسته است. دیوان بین المللی دادگستری در پرونده «فعالیت های مسلحانه در سرزمین کنگو» یادآور شد که کشور مدافع باید برای مشروعیت اقدامات خود، این الزامات شکلی و محتوایی را رعایت کند (دیوان بین المللی دادگستری، ۲۰۰۵).

بر اساس این معیارها، ایران پس از وقوع حمله موشکی رژیم صهیونیستی، این حق مسلم را دارد که برای دفع حملات بیشتر یا پایان دادن به تجاوز، از اقدامات نظامی متناسب علیه اهداف نظامی مشروع رژیم صهیونیستی استفاده کند. همچنین می تواند در چارچوب دفاع مشروع جمعی، از حمایت متحدان خود بهره گیرد. این حق البته مشروط به رعایت دقیق اصول تمایز و تناسب در حقوق بشردوستانه است؛ به طوری که حتی در دفاع مشروع نیز ایران باید از حمله به غیرنظامیان و زیرساخت های غیرنظامی اجتناب نماید (کمیته بین المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

به موازات این اقدامات، ایران می تواند موضوع را بلافاصله به شورای امنیت گزارش کند تا هم تعهد خود را به منشور نشان دهد و هم امکان اقدام بین المللی علیه رژیم صهیونیستی فراهم شود. گزارش های منتشر شده در اس اس آر ان نشان می دهد که بسیاری از کشورها در موارد مشابه با ارسال نامه رسمی به دبیر کل و رئیس شورای امنیت، این شرط را عملی کرده اند تا دفاع مشروع آنان مطابق با چارچوب منشور ملل متحد تلقی شود (گرین، ۲۰۱۴).

بر این اساس، می توان گفت حمله مستقیم رژیم صهیونیستی به خاک ایران مصداق روشنی از «حمله مسلحانه» است که به ایران اجازه می دهد بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، به دفاع مشروع فردی و در صورت درخواست، دفاع جمعی متوسل شود. این حق البته باید با رعایت کامل حقوق بین الملل بشر و بشردوستانه و در هماهنگی با قواعد

عرفی و رویه‌های قضایی بین‌المللی اعمال شود، تا مشروعیت دفاع ایران در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌طور کامل محفوظ بماند.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی حقوقی حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران نشان می‌دهد که این اقدام، نقض صریح یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل یعنی اصل منع توسل به زور محسوب می‌شود. این اصل که به‌عنوان قاعده‌ای آمره جایگاهی فراتر از سایر قواعد حقوقی دارد، نه تنها در منشور ملل متحد بلکه در عرف و رویه قضایی بین‌المللی نیز تثبیت شده است. تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون هیچ‌گونه مجوز از شورای امنیت و در فقدان هرگونه مبنای معتبر دفاع مشروع، مصداق آشکار نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران است.

همچنین حمله رژیم صهیونیستی، افزون بر جنبه تجاوز ارضی، اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی از جمله اصل تمایز و تناسب را به‌شکل فاحشی نقض کرده است. هدف قرار دادن مناطق مسکونی، زیرساخت‌های غیرنظامی و نیز ترور فرماندهان و دانشمندان ایرانی در خارج از صحنه نبرد، مصادیق بارزی از تجاوز به حقوق بشر و حتی جنایات جنگی به شمار می‌آید. این نقض‌ها علاوه بر مسئولیت مدنی، می‌تواند مسئولیت کیفری بین‌المللی مقامات رژیم صهیونیستی را نزد دیوان کیفری بین‌المللی مطرح کند.

بر اساس ساختار حقوق بین‌الملل، ایران حق دارد از همه ابزارهای موجود برای مطالبه مسئولیت رژیم صهیونیستی استفاده کند. این ابزارها شامل ارجاع موضوع به شورای امنیت برای بررسی تحت فصل هفتم منشور، درخواست صدور قطعنامه محکومیت از سوی مجمع عمومی و همچنین طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری به منظور احراز مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی و الزام آن به جبران خسارات می‌شود. در صورت احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، امکان تعقیب مقامات رژیم صهیونیستی به اتهام ارتکاب جنایات بین‌المللی نیز وجود خواهد داشت.

از سوی دیگر، بر اساس ماده ۵۱ منشور، ایران در مقام دولتی که هدف حمله مسلحانه قرار گرفته، حتی دفاع مشروع فردی و جمعی دارد. البته این دفاع مشروع باید در چارچوب الزامات حقوق بین‌الملل، شامل ضرورت، تناسب، تمایز و گزارش فوری به شورای امنیت، اعمال شود تا مشروعیت بین‌المللی خود را حفظ کند. هرگونه اقدام ایران در پاسخ باید دقیقاً در راستای دفع حمله و جلوگیری از تهدیدات آتی باشد.

در نهایت می‌توان گفت که دفاع ایران در برابر این تجاوز آشکار، نه تنها حقی بر اساس منشور ملل متحد بلکه تکلیفی برای حفاظت از حاکمیت، مردم و امنیت ملی خود است. با این حال بهره‌گیری هوشمندانه از سازوکارهای دیپلماتیک و حقوقی در کنار دفاع مشروع، می‌تواند مشروعیت بین‌المللی اقدامات ایران را بیش از پیش تثبیت کند و رژیم صهیونیستی را در منظر افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی به پاسخگویی وادارد. ایران با پیگیری هم‌زمان

مسیرهای حقوقی و سیاسی، می تواند نقض فاحش قواعد آمره توسط رژیم صهیونیستی را در محاکم بین المللی ثبت و به مسئولیت این دولت متجاوز عینیت ببخشد.

منابع و مآخذ

- International Civil Aviation Organization (ICAO). (1944). *Convention on International Civil Aviation (Chicago Convention)*. Retrieved from <https://www.icao.int/publications/pages/doc7300.aspx>
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (1977). *Additional Protocols to the Geneva Conventions of 1949*. Retrieved from <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977>
- International Law Commission (ILC). (2001). *Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*. Retrieved from https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_6_2001.pdf
- United Nations. (1945). *Charter of the United Nations*. Retrieved from <https://www.un.org/en/about-us/un-charter>
- United Nations General Assembly. (1970). *Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States (Resolution 2625)*. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/202170>
- United Nations General Assembly. (1974). *Definition of Aggression (Resolution 3314)*. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/218818>
- United Nations Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions. (2023). *Report to the Human Rights Council*. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-executions>
- Allen, R. (2021). Aerial sovereignty and international law. *JSTOR*. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/10.2307/48590932>
- Green, J. A. (2014). The Article 51 reporting requirement for self-defense actions. *Virginia Journal of International Law*. Retrieved from <https://ssrn.com/abstract=2572406>
- Hart, L. (2022). Proportionality and distinction in modern conflicts. *Oxford Academic*. Retrieved from <https://academic.oup.com/ejil/article/33/1/123/6537821>
- Johnson, M. (2020). Targeted killings under international law. *JSTOR*. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/10.2307/45321876>
- Kasakeshi, N., & colleagues. (2022). Customary norms on use of force and jus cogens. *SSRN*. Retrieved from https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=4158905
- Smith, K. (2023). International criminal liability for state aggressions. *Oxford Academic*. Retrieved from <https://academic.oup.com/jicj/article/21/2/389/7101248>
- International Court of Justice (ICJ). (2005). *Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda)*. Retrieved from <https://www.icj-cij.org/en/case/116>